

A Jurisprudential Study of the Necessity for the Formation of the Organization of Promotion of Virtue and Prevention of Vice¹

Ebrahim Khamar

PhD., Student, Department of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran. Ebrahim_khamar@yahoo.com

Akbar Fallah

Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran (**Corresponding author**). h_ghasem۲۰۰۰@yahoo.com

Ali Faqih

Assistant Professor, Fiqh and Fundamentals of Islamic Law Department, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran. Ali.faqihi ۳۳۶@gmail.com

Abstract

The purpose of the present research is to explain and prove the necessity of the formation of the organization of promotion of virtue and prevention of vice in order to accurately and effectively perform this obligatory act as well as the manifestation and realization of its results and blessings for individuals and society as whole. In this regard and by using a descriptive-analytical method, this main issue was dealt with that why execution of this obligatory act does not have a suitable and decent representation in society and sometimes leads to some likely unpleasant results although it is ordered by the reason and emphasized by the Qur'anic verses and traditions to promote virtues and prevent vices in society to enjoy the numerous blessings. The most important finding of the research indicates the necessity to establish a mandatory organization to define and explain the virtue and vice, especially their emergent instances as well as organizing and providing essential backgrounds for the appropriate and effective implementation of this act in different fields and institutions. The necessity of formation of the abovementioned organization can be proven with reference to the verses and traditions, the norm and method of the scholars, obligatory introduction, and the principle of priority.

Keywords: Promotion of Virtue and Prevention of Vice, Anecdotal Arguments, Norm, Scholars Conduct, Obligatory Introduction, Principle of Priority.

¹ Received : ۲۰۲۱/۰۹/۱۱; Revised: ۲۰۲۱/۱۲/۰۱; Accepted: ۲۰۲۲/۰۲/۲۳; Published online: ۲۰۲۲/۰۶/۲۲

Article type: Research Article

Publisher: Qom Islamic Azad University

© the authors



واکاوی فقهی ضرورت تشکیل سازمان امر به معروف و نهی از منکر^۲

ابراهیم خمر

دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران. Ebrahim_khamar@yahoo.com

اکبر فلاح

استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران (نویسنده مسئول).
h_ghasem2000@yahoo.com

علی فقیهی

استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران. Ali.faghihi ۳۳۶@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر تبیین و اثبات ضرورت تشکیل سازمان امر به معروف و نهی از منکر برای اقامه درست و مؤثر این فریضه و نیز تجلی و تحقق آثار و برکات آن برای فرد و جامعه است. در این راستا و با روش توصیفی-تحلیلی به این مسأله اساسی پرداخته شده است که علی‌رغم حکم عقل و تأکید آیات و روایات بر ضرورت اقامه امر به معروف و نهی از منکر و نیز آثار و برکات بی‌بدیل آن، چرا اقامه آن نمودی شایسته و بایسته در جامعه نداشته و احیاناً نتایج نامطلوبی در پی دارد؟ از مهم‌ترین یافته‌های پژوهش ضرورت تشکیل سازمانی لازم‌الاتباع با رسالت تعریف و تبیین معروف و منکر، بویژه مصادیق نوظهور آن و ساماندهی و فراهم نمودن زمینه‌های لازم برای پیاده‌سازی درست و مؤثر این فریضه در عرصه‌ها و نهادهای گوناگون است. ضرورت تشکیل سازمان مزبور را می‌توان به استناد آیات و روایات، عرف و سیره عقلا، مقدمه واجب و قاعده اولویت ثابت کرد.

کلیدواژه‌ها: امر به معروف و نهی از منکر، ادله نقلی، عرف، سیره عقلا، مقدمه واجب، قاعده اولویت.

^۲ پژوهش حاضر مستخرج از: رساله دکتری ابراهیم خمر، با عنوان: واکاوی فقهی نقش امر به معروف و نهی از منکر در جامعه و شبکه‌های اجتماعی اینترنتی، در گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی، استاد راهنما: اکبر فلاح و استاد مشاور: علی فقیهی، ارائه شده در دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل در سال ۱۳۹۸ است.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۰؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۰۹/۱۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۴؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۱/۰۴/۰۱

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

© نویسندگان.



مقدمه

امر به معروف و نهی از منکر از والاترین و ارجمندترین واجبات و ضامن اقامه فرایض و برچیده شدن منکرات است. قرآن، مسلمانان را بهترین امتی می‌داند که برای بشریت پدیدار شده و از مهم‌ترین نشانه‌های آن، اقامه این فریضه است (آل عمران، ۱۱۰). خداوند در قرآن می‌فرماید: «و باید گروهی از شما باشند که دعوت به خیر و نیکی کرده و امر به معروف و نهی از منکر کنند» (آل عمران، ۱۰۴). سنت و سیره معصومین (ع) نیز، بر جایگاه و نقش بی‌بدیل این امر، دلالت دارد، چنانکه می‌فرمایند: «خداوند مردم قرون پیشین را از رحمت خود دور نساخت، به جز اینکه امر به معروف و نهی از منکر را ترک کردند؛ خداوند افراد سفیه را به خاطر گناه و افراد عاقل و دانا را به خاطر ترک نهی از منکر از رحمت خود به دور داشت» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲). همچنین امام علی (ع) می‌فرماید: «امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید، که اشرار بر شما مسلط می‌شوند؛ سپس هر چه دعا کنید مستجاب نمی‌شود» (نهج البلاغه، نامه ۴۷). عقل نیز دلالتی روشن بر ضرورت اقامه بایسته‌ها و پرهیز از بدی‌ها و امر و نهی، نسبت به آنها دارد.

امر و نهی مطلق برانگیختن فرد بر انجام یا ترک چیزی است، خواه امر و نهی با گفتار باشد یا کردار، چه مخاطب یا عرف از آن، امر و نهی را بفهمد، یا نفهمد (تبریزی، ۱۴۲۱ق، ص ۳۷۴). معروف و منکر، حکم عقل و شرع به پسندیده و ناپسند بودن هر فعل اعم از واجب، مستحب، حرام یا مکروه بودن آن است (امام خمینی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۰۷؛ حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۳۱۰؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۱۰۰-۹۹). همچنین، در کفای یا عینی بودن آن میان علما اختلاف نظر است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱، ص ۳۵۹؛ سبزواری، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۴۰۴؛ شهید اول، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۰۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۵۲؛ بی‌تا، ج ۱، ص ۱۵۷؛ ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۱۴۲)؛ در این بین، شیخ طوسی در بعضی از آثارش بر عینی بودنش تصریح دارد (شیخ طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۲۹۹). علاوه بر این، شرایط امر و نهی کردن عبارت است از آگاهی و شناخت امر کننده و نهی‌کننده نسبت به معروف و منکر مورد امر و نهی؛ احتمال تأثیر امر و نهی؛ اصرار فاعل بر تکرار ترک واجب، یا انجام فعل حرام، هرچند با عزم بر ارتکاب مجدد آن باشد؛ امر و ناهی در اقامه آن معذور نباشند؛ و برای امر و ناهی، یا فرد مسلمانی، مفسده و زیان نداشته باشد (ابن‌ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۲۳؛ شهید اول، ۱۴۱۰ق، ص ۸۴؛ میرزای قمی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۴۲۱-۴۱۹).

امروزه امکان تولید و اشاعه معروف‌ها و منکرات به جهت امکانات، ارتباطات و رسانه‌های جدید در حوزه‌ها و نهادهای گوناگون شتاب گرفته است و رصد به هنگام و درست، برای پیشگیری از منکرات و اصلاح آنها، وظیفه‌ای همگانی شده است. غفلت و کوتاهی در این زمینه استحاله معروف‌ها، منکرات و نظام اسلامی و به تبع آن، حاکمیت اشرار و جایگزینی منکرات به جای معروف‌ها را در پی دارد. در نتیجه باید برای حفظ و صیانت فرد و جامعه از آسیب‌ها و مضرات احتمالی، با آسیب‌شناسی دقیق و همه‌جانبه و ارائه راهکارهای پیشگیرانه و اصلاح‌گرانه، تحقیقاتی درخور و متقن نمود. پژوهش حاضر با چنین رویکردی و با هدف اثبات ضرورت تأسیس سازمانی توانمند، چابک و با پشتوانه محکم و قانونی جهت شناسایی معروف‌ها و منکرات در جامعه و بدنه حکومت و آموزش شیوه‌های درست مقابله با منکرات در عرصه‌های گوناگون، نگارش یافته است.

مسئله اصلی پژوهش حاضر این است، که اگر برای اقامه فریضه امر به معروف و نهی منکر، به شیوه‌های سستی فردی و غیر سازمانی بسنده شود، آیا نقش بازدارندگی و اصلاح‌گرانه خود را به نحو شایسته و بایسته ایفا خواهد کرد؟ آیا این شیوه‌های سستی، در همه زمان‌ها، مکان‌ها، شرایط و موقعیت‌های گوناگون برای اصلاح فرد و جامعه کافی است؟ به تعبیر دیگر، آیا برای همه زمان‌ها و مکان‌ها کافی است؟ یا اینکه شرط لازمی است که در کنار دیگر شرایط، کارایی و اثرگذاری مطلوب و بهتری را خواهد داشت؟ دیگر آنکه، آیا تشکیل سازمان امر به معروف و نهی منکر، امری ضروری است یا خیر؟ و بر ضرورت آن چه ادله‌ای می‌توان اقامه نمود؟ این پژوهش در راستای واکاوی فقهی ضرورت تشکیل سازمان امر به معروف و نهی منکر، به شیوه توصیفی-تحلیلی و استدلال مبتنی بر ادله نقلی و عقلی، انجام شده است. بدین گونه که به توصیف، تبیین، تعریف و نقش «سازمان امر به معروف و نهی منکر» پرداخته و با تمسک به ادله نقلی، عرف و سیره عقلا، مقدمه واجب و قاعده اولویت ضرورت تأسیس آن را به اثبات رسانیده است. این تحقیق کنکاشی نوین درباره اقامه فریضه امر به معروف و نهی منکر، منطبق بر فقه امامیه و استناد به منابع و آراء و نظرات فقهی و اصولی است، تا ضرورت تشکیل سازمان امر به معروف و نهی منکر ثابت گردد. گرچه در اظهارات برخی از علما -به حسب مورد- ضرورت آن دیده می‌شود؛ اما مستند به ادله گوناگون مثبت نیست؛ لذا، این پژوهش با واکاوی ادله مقتضی، به تبیین و اثبات آن پرداخته است.

سازمان امر به معروف و نهی منکر

مراد از سازمان، نهاد توانمند و گسترده لازم‌الاتباعی است، که رسالت تشخیص، تعریف و تبیین معروف و منکر، ساماندهی و فراهم نمودن زمینه‌های لازم برای اقامه درست و مؤثر این فریضه در حوزه‌ها و نهادهای مختلف جامعه را بر عهده بگیرد و تحت ولایت حاکم اسلامی به فعالیت بپردازد.

درباره تأسیس چنین سازمانی در حکومت اسلامی باید گفت، اولاً اقامه درست و مؤثر این فریضه مستلزم فراهم ساختن مقدماتی در حکومت اسلامی بوده که مهم‌ترین آنها، تشکیل سازمانی است که از زوایای گوناگون به صورت تخصصی به معروف‌ها و منکرها بپردازد و مصادیق نوظهور آن را با ملاک‌ها و معیارهای شریعت مقدس بسنجد و سره را از ناسره معین سازد. ثانیاً، سازمان مذکور، موجب از بین رفتن یا کمرنگ شدن نقش مردم نشود؛ بلکه بالعکس، باعث پررنگ‌تر شدن نقش آنان و احساس مسئولیت بیشتر نسبت به اقامه این فریضه بشود؛ چراکه از جمله رسالت‌های چنین سازمانی، ساماندهی نحوه امر به معروف و نهی منکر توسط مردم، تعلیم، ترغیب، تشویق و تأکید بر اقامه این فریضه از سوی آنان خواهد بود. ثالثاً، این سازمان حق مداخله در وظایف ذاتی دیگر سازمان‌ها و نهادها را نداشته باشد؛ بلکه از باب نظارت بر حسن انجام وظایف و مأموریت‌های تعیین شده و قانونی آنان، در قالب امر به معروف و نهی منکر نقش ایفا کند. رابعاً، از آنجا که امر و نهی به صورت مختلفی از جمله، امر و نهی مردم نسبت به یکدیگر، امر و نهی مردم نسبت به مسئولین و کارگزاران حکومتی و امر و نهی کارگزاران نسبت به مردم و یکدیگر مصداق پیدا می‌کند؛ برای اقامه درست و بهره‌مندی بیشتر جامعه از آثار و برکات آن و نیز ضرورت اجرای درست آن در اینگونه موارد، تأسیس سازمانی توانمند و مقتدر از حیث اندیشه‌ورزی، ضمانت و پشتیبانی‌های لازم از جانب حکومت اسلامی را اقتضا می‌کند. خامساً، از آیات و روایات و حکم عقل استفاده می‌شود، که اگر اقامه فریضه‌ای مبتنی بر مقدماتی باشد که بدون آنها این امر انجام نمی‌شود یا اینکه به درستی محقق نخواهد شد، مقدمات آن فراهم گردد.

در این مجال با تمسک به ادله فقهی و اجتهادی و تحلیل موشکافانه آنها به اثبات ضرورت تشکیل سازمانی جهت تولی این فریضه حیاتی پرداخته می‌شود و ادله نقلی، مقدمه واجب، نقش زمان و مکان، سیره عقلاء و عرف و قاعده اولویت مورد استناد قرار می‌گیرد.

ادله ضرورت تشکیل سازمان امر به معروف و نهی از منکر

دلایل نقلی

آیات قرآن، دلالتی صریح بر تشکیل سازمان ندارد؛ لیکن بر ضرورت و وجوب دعوت به خیر و نیکی و امر به معروف و نهی از منکر، تصریح داشته است و آن را به عنوان یک وظیفه واجب می‌داند. اما از این حیث که این کار توسط حکومت باشد یا مردم، یک سازمان رسمی حکومتی متولی باشد، یا به صورت غیر رسمی و مردمی اعمال شود؟ تعیین و تقییدی دیده نمی‌شود؛ بلکه در قرآن به صورت مطلق و کلی آمده است، که گروهی از شما باید امر به معروف و نهی از منکر نمایند (آل عمران، ۱۰۴). دیگر آنکه، در بسیاری از موارد، شارع مقدس در مقام جعل احکام شرعی، عناوین کلی را لحاظ نموده و احکام را تشریح نموده است، یعنی احکام را بر آن موضوعات یا متعلقات حمل می‌نماید. لذا، آنجا که خداوند می‌فرماید: «شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار گشت، زیرا امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید» (آل عمران، ۱۱۰)؛ معروف و منکر را به طور کلی ذکر کرده است. در نتیجه مصادیق آن، منحصر به معروف‌ها و منکرهای زمان پیامبر نمی‌شود، بلکه در زمان‌های مختلف، تجلی مصادیقی نو برای آنها ممکن است.

شیوه‌ها و طرق امر به معروف و نهی از منکر منحصر به سبک‌های سنتی نیست؛ بلکه از شیوه‌های نوین و کارآمدتر آن نیز باید بهره جست. همچنین اینکه خداوند می‌فرماید: «باید گروهی از شما باشند که دعوت به خیر و نیکی کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند؛ اینان همان رستگارانند» (آل عمران، ۱۰۴). مراد از «أمة» (گروه) طبیعت و عنوان کلی آن بوده که به مقتضای شرایط، اعصار و امصار مختلف می‌تواند، جلوه‌ها و انحای گوناگونی پیدا کند؛ زیرا در این آیه، معین نشده است که این گروه، متشکل از چند نفر باشد. و آیا باید به نمایندگی از حاکم شرع باشد، یا اینکه مسلمانان مؤظفند خود، رأساً گروهی را شکل داده و امر و نهی نمایند؟ آیا در قالب سازمان یا نهادی اجتماعی باشد یا خیر؟ آیا در جامعه‌ای که حکومت اسلامی استقرار یافته باشد، یا در هر جامعه‌ای که مسلمانان زندگی می‌کنند، باید چنین گروهی وجود داشته باشد؟ اینها مواردی است که از کلمه «أمة» صراحتاً به دست نمی‌آید و پاسخ‌ها را باید در جایی دیگر جست. با رجوع به روایت مسعده بن صدقه که نقل از امام صادق (ع) است، مشخص می‌گردد، که اولاً امر به معروف و نهی از منکر بر همه امت واجب نبوده است؛ بلکه بر توانمندان اقامه آن، مورد اطاعت واقع‌شدگان و عالمان به معروف و منکر، واجب می‌شود، نه بر ضعیفی که راه را ندانسته و نمی‌داند به چه راهی و از چه راهی بگوید تا حق را به سوی باطل نکشاند. ثانیاً امام (ع) دلیل وجوب این فریضه بر گروهی از مکلفین را آیه ۱۰۴ آل عمران ذکر فرمودند؛ زیرا خاص است، نه عام. نظیر آن را آیه ۱۵۹ اعراف ذکر می‌کنند، بدین معنی که گروهی از قوم موسی (ع) به حق هدایت کرده و بدان دوری می‌کنند. چنانکه خداوند در آیه ۱۲۰ نحل می‌فرماید: «به راستی ابراهیم [بیه تنهایی] امتی فروتن برای خدا بود»؛ یعنی مطیع خداوند عزوجل بود. در نتیجه، کسی که عالم است، در زمان صلح و آرامش، اگر هیچ‌گونه نیرو و یاور و فرمانبرداری ندارد، بر او واجب نیست (حرع‌عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۱۲۷-۱۲۶).

بنابراین، باید فرد یا گروهی ذی صلاح و توانمند باشند که وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را در جامعه به انجام رسانند. اما در اینکه فرد یا گروه، نماینده یا مأموری از جانب حاکم شرع یا حکومت اسلامی باشد، یا از میان خود مردم، رأساً بدان اقدام نمایند؛ اشاره‌ای نشده است؛ زیرا ممکن است از جهتی شرایط و مقتضیات به گونه‌ای باشد که امر و نهی یک نفر یا بیشتر، بدون داشتن مقام و منصبی از جانب حکومت اسلامی، مؤثر باشد، که در این صورت انجام این فریضه بر آنان واجب است. وجه دیگر اینکه، فقط در صورت انتصاب از جانب حاکم شرع یا حکومت مؤثر واقع گردد. بنابراین، شرایط و ضرورت‌های موجود، تعیین کننده تأسیس یا عدم تأسیس سازمانی جهت ساماندهی امور مربوط به این فریضه خواهد بود. ضمن پذیرش لزوم انجام این فریضه از ناحیه مردم، باید گفت، گستردگی جامعه، پیچیدگی‌ها و دشواری تشخیص معروف و منکر به جهت مصادیق فراوان و نوظهور، و همچنین پیشگیری از مشتبه شدن امر بر مردم، وجود سازمانی را ایجاب می‌کند که به صورت تخصصی در این زمینه ورود پیدا کند و با شناسایی دقیق مصادیق جدید معروف و منکر، شیوه‌های درست و مناسب امر و نهی را آموزش دهد و بر چگونگی اقامه آن نظارت نماید و در مواردی نیز، خود بدان اقدام نماید.

عرف و سیره عقلا

از دلایل اساسی ضرورت تشکیل سازمان امر به معروف و نهی از منکر، سیره عقلاست؛ زیرا مبنای تشکیل و چگونگی همه سازمان‌ها، تشکیلات، وزارتخانه‌ها و نهادهای گوناگون جوامع عرف و گرایش عمومی عقلا، بدین امور است. طبیعت عقلایی جامعه اقتضا دارد تا در میان جوامع، روابط، مناسبات، معاملات و مبادلاتی صورت پذیرد، رایج گردد و سیره آنان تلقی گردد. بنابراین، هیچ ضرورتی وجود ندارد که این سیره در زمان معصوم وجود داشته باشد؛ بلکه ممکن است به جهت شرایط و مقتضیات خاص، زمان معصومین به گونه‌ای دیگر تجلی یافته باشد. اما از آن جهت که این طبیعت عقلایی از سوی شارع مقدس منع نشده، دلیلی است بر اینکه سیره عقلاء به هر صورتی که فعلیت پیدا کند از اعتبار و حجیت برخوردار باشد. در نتیجه ممکن است، سیره عقلاء در زمان امامان (ع) به دلیل نیازها، مصالح و منافع جامعه، به گونه‌ای تجلی کرده باشد، اما در زمان‌های دیگر به دلیل تغییر شرایط و اقتضای ضرورت‌ها، مصالح و منافع جدید، صورتی نو پیدا کند. علاوه بر آن، چون شارع مقدس طبع عقلایی را ردع و منع نکرده است، تمامی سیره‌های معلول این طبیعت عقلایی، معتبر و حجیت دارد. بنابراین، اصرار بر اینکه سیره عقلا باید در محضر و منظر معصوم (ع) باشد تا بر تقریر و امضای آن حضرت دلالت کند و در غیر این صورت از اعتبار ساقط می‌گردد، وجه موجهی ندارد و با روح قوانین اسلام ناسازگار است؛ زیرا با پذیرفتن چنین چیزی، پویایی و جامعیت احکام اسلامی مخدوش و به بیماری ایستایی و توقف مبتلاء می‌گردد و نیازهای جدید، بی پاسخ خواهد ماند؛ اما در مورد سیره متشرعه این گونه نبوده است؛ بلکه باید در مرئی و منظر معصوم (ع) بوده و تقریر و امضای او به دست آید. بنابراین، در حجیت سیره عقلا، تکیه بر یک قضیه طبیعی است؛ زیرا اگر طبع انسان‌های خردمند، که عرف و سیره از آن سرچشمه می‌گیرد، مورد ردع و منع شارع مقدس قرار نگرفته باشد، برای همیشه معتبر است. در نتیجه عرف و سیره عقلا که مقتضای طبیعت عقلایی بوده از حجیت برخوردار است. به تعبیر دیگر، عرف و سیره عقلا از آن جهت که مقتضای طبیعت عقلایی بوده حجیت دارد و نمی‌توان مصادیقی از مصادیق آن را نامعتبر دانست؛ مگر به استناد ردع و منعی که از جانب معصوم (ع) درباره آن رسیده باشد.

در حجیت عرف و سیره عقلا باید افزود که در صورت نامعتبر شمردن آن، جامعه، نظام و سامانی شایسته و بایسته نمی‌یابد و گرفتار سستی، ضعف و رکود می‌شود و از تکامل مادی و معنوی باز خواهد ماند و این دقیقاً برخلاف چیزی است، که شرایع آسمانی بدان ترغیب و تأکید نموده‌اند. از مصادیق بارز عرف و سیره عقلا در طول تاریخ بشریت که ردع و منعی درباره آنها دیده نمی‌شود، بلکه بر عکس، عملکرد آنها مؤید آن بوده، وجود تشکیلات و نهادهای متولی امور مربوط به نظم و ساماندهی جامعه است. لذا، اصل تأسیس حکومت‌ها، نهادها، مؤسسات، سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها در جوامع به مقتضای طبع عقلایی، تجلی یافته است و از ناحیه شارع مقدس نیز، نه تنها منع و ردعی نرسیده، بلکه نوع بیان و عملکرد آنان، بیانگر تقریر و تأیید عرف و سیره عقلای جوامع است. به عنوان مثال در قرآن آمده است: «تا می‌توانید در برابر آنها نیرو و اسب‌های آماده بسیج کنید تا با آن، دشمن خدا و دشمن خودتان و دیگر دشمنان را که آنها را نمی‌شناسید و خدا می‌شناسد، بترسانید» (انفال، ۶۰).

بدون شک در تفسیر واژه «قوه» نمی‌توان به عرف و سیره مألوف و متداول در زمان پیامبر (ص) و امامان (ع) اکتفاء کرد و به ابزاری مانند شمشیر، نیزه، زره، کلاه‌خود و امثال آنها که در آن زمان رایج بوده بسنده نمود؛ زیرا هدف مصرح آیه باز خواهد ماند. پس، به حکم عقل باید سراغ ابزار و وسایل مشروع دیگری رفت که تأمین کننده هدف مورد نظر آیه باشد. اینجاست که عرف و سیره عقلا به حسب ضرورت‌ها، نیازها، مصالح و مقتضیات موجود در هر مکان و زمانی به میدان می‌آید و با تفسیر و تبیین مصادیق، مسیر را هموار می‌سازد. از این‌رو نگارنده بر این باور است که علاوه بر دلایل پیشین بر حجیت عرف و سیره عقلا، چنین آیاتی نیز مؤید حجیت آن بوده‌اند؛ مگر اینکه ثابت گردد، در مورد اصل یا مصادیقی از آن، از معصومین (ع) منع و ردعی رسیده باشد، که چنین چیزی نیز ثابت نشده است.

شکل‌گیری سازمان‌ها، نهادها، مؤسسات و وزارتخانه‌های جوامع بر اساس نیازها و ضرورت‌های نمایان جامعه بوده که عرف و سیره عقلا، تعیین کننده چگونگی پاسخ‌گویی به این نیازها و ضرورت‌ها است؛ که در اعصار و امصار مختلف، احیاناً به اشکال متفاوت تجلی یافته‌اند. چنان که بسیاری از آنها در زمان معصومین (ع) یا اصلاً وجود نداشته یا به شکل و گونه‌ای متفاوت بوده‌اند که در شرایط و اوضاع فعلی جوامع، پاسخگوی نیازها و اهداف آنها نخواهد بود. از سازمان‌هایی که در شرایط فعلی تشکیل آن ضروری می‌نماید، سازمان امر به معروف و نهی از منکر است؛ زیرا اقامه معروف و ترک منکر از اموری است که شارع مقدس راضی به تخلف از آنها نیست. چنانکه خداوند در قرآن می‌فرماید: «باید گروهی از شما باشند که دعوت به خیر نمایند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند» (آل عمران، ۱۰۴). گروه یا امت مورد نظر آیه، به حسب شرایط، زمان‌ها و مکان‌های گوناگون، جلوه‌های متفاوتی پیدا خواهد کرد. مثلاً در جامعه‌ای بسیط و کم جمعیت که دارای روابط اجتماعی پیچیده‌ای نیست، کنترل رفتارها و مراقبت از آسیب‌ها نسبت به جوامع چند میلیونی و دارای روابط پیچیده اجتماعی با پراکندگی و وسعت زیاد، متفاوت و آسان‌تر خواهد بود. اقامه امر به معروف و نهی از منکر در قسم اول را می‌توان با ساز و کارهای ساده و مناسب همان جامعه انجام داد. به گونه‌ای که اگر سازمان یا نهاد ویژه‌ای وجود نداشته باشد نیز، می‌توان از منکرها پیشگیری نمود و معروف‌ها را رواج داد؛ زیرا حضور حاکم و رهبر در میان مردم و ارتباط با آنان ملموس‌تر و قوی‌تر است و امر و نهی او نیز معمولاً به طور مستقیم صورت می‌گیرد.

علاوه بر آن، در این جوامع، پیچیدگی و گستردگی روابط اجتماعی زیاد نیست و با ساز و کارهایی ساده و کوچک می‌توان، مردم را به انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر ترغیب نمود و شیوه‌های درست اقامه امور را به آنها آموزش داد. چنانکه جوامع اسلامی در دوران اولیه چنین وضعیتی داشته و امر و نهی، بیشتر توسط خود مردم، رهبر یا نماینده او صورت می‌گرفت و سازمان یا نهادی ویژه برای آن تأسیس نشده بود. با گذشت زمان و گسترش جوامع و پیچیدگی روابط اجتماعی و کارساز نبودن شیوه‌های گذشته، عقلای جامعه برای موضوعات گوناگون سازوکارهایی به وجود آورده‌اند تا بر مشکلات جدید فائق آیند. چنانکه شکل‌گیری نهادهایی مانند حسبه، تعزیرات، سازمان‌ها، مؤسسات و وزارتخانه‌های گوناگون مؤید آن است. هرچه جلوتر آمده‌ایم سیره عقلای برای چگونگی اداره جوامع متناسب با نیازها و ضرورت‌ها، به انحاء مختلفی تجلی یافته است.

در این بین، چگونگی اقامه امر به معروف و نهی از منکر نیز همینگونه است؛ زیرا با شرایط جدید حاکم بر جوامع و گستردگی و پیچیدگی روابط اجتماعی نمی‌توان فقط به شیوه‌های سنتی اکتفاء نمود؛ بلکه علی‌رغم اینکه آن شیوه‌ها و ساز و کارها، هنوز موردنیاز جامعه است، اما کافی نیست؛ زیرا گسترش دامنه معروف‌ها و منکرها به جهت مسائل مستحدثه و روابط پیچیده اجتماعی در حوزه‌های مختلف ایجاب می‌کند، ضمن به‌کار گرفتن شیوه‌های سنتی، سراغ ساز و کارهای جدیدی رفت، تا اقامه آن در جامعه مقدور، بهینه و تسهیل گردد. این همان میل و گرایش عقلای جوامع است، که در شرایط گوناگون و مقتضیات زمان‌ها و مکان‌های مختلف ممکن است، سیره و روش‌های متفاوتی را متجلی سازند. از این‌رو بر اساس عرف و سیره عقلای جامعه، واژه «أمة» که در آیه ۱۰۴ سوره آل‌عمران آمده ممکن است، ضرورتاً در قالب سازمانی مصداق پیدا کند که عهده‌دار وظیفه ساماندهی امور مربوط به امر به معروف و نهی از منکر باشد و در مواردی نیز، خود به اقامه آن پردازد. البته وجود چنین سازمانی وظیفه مردم را برای اقامه این فریضه در حوزه‌های گوناگون نفی نمی‌کند؛ بلکه برای اقامه بهتر این تکلیف به آنان کمک خواهد کرد تا در این راستا، از حمایت و معاضدت آن برخوردار گردند.

در شرایط کنونی، تشکیل سازمان امر به معروف و نهی از منکر از ضروری‌ترین نیازهای جامعه است؛ زیرا چنین سازمانی می‌تواند ضامن بقای معروف‌ها، از میان رفتن منکرها، مانع از بین رفتن ارزش‌ها و معروف‌ها گشته و از شکل‌گیری و رواج منکرات جلوگیری نماید. همچنین می‌تواند، حافظ نظام اسلامی و ارزش‌های الهی باشد. وضعیت موجود، هر انسان خرد پیشه‌ای را به خود فراخوانده و ضرورت مزبور را برای وی آشکار می‌سازد. چنان که امام خمینی با درکی دقیق، در آغاز شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی طی سخنانی فرمود: «ما... با دایره امر به معروف و نهی از منکر که یک وزارتخانه مستقل، بدون پیوستگی به دولت، با یک همچو وزارتخانه‌ای که تأسیس خواهد شد، إن شاء الله مبارزه با فساد می‌کنیم، فحشاء را قطع می‌کنیم، مطبوعات را اصلاح می‌کنیم، رادیو را اصلاح می‌کنیم، تلویزیون را اصلاح می‌کنیم، سینماها را اصلاح می‌کنیم» (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۶، ص ۲۷۵).

همچنین ایشان در سال ۱۳۵۸، خطاب به شورای انقلاب نوشتند: «... شورای انقلاب اسلامی به موجب این مرقوم، مأموریت دارد که اداره‌ای به اسم «امر به معروف و نهی از منکر» در مرکز تأسیس نماید و شعبه‌های آن در تمام کشور گسترش پیدا کند و این اداره، مستقل و در کنار دولت انقلاب اسلامی است و ناظر به اعمال دولت و ادارات دولتی و تمام اقشار ملت است و دولت انقلاب اسلامی، مأمور است که اوامر صادره از این اداره را اجرا نماید و این اداره، مأمور است که در سراسر کشور از منکرات به هر صورت که باشد، جلوگیری نماید و حدود شرعیه را تحت نظر حاکم شرعی یا منصوب از قبل او اجرا نماید...» (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۹، ص ۲۱۴). سخنان و دستورات ایشان بیانگر درک دقیق از شرایط و مقتضیات حاکم بر زمان خویش بوده است. لذا، از اولین تصمیم‌ها و فرامین ابلاغی ایشان، تأسیس دایره امر به معروف و نهی از منکر است؛ زیرا نیک می‌دانست چنین اتفاقی ضامن سلامت جامعه است و به عنوان رهبر جامعه، چنین تصمیم کاملاً عقلایی و ستودنی را می‌گیرند.

بنابراین، تشکیل سازمان امر به معروف و نهی از منکر که ضامن حفظ و گسترش معروف‌ها و جلوگیری از منکرات و از بین بردن آنهاست، مبنایی عقلایی دارد که طبع عقلایی بدان گرایش دارد. چون طبع عقلایی از ناحیه معصومین (ع) منع نشده، بلکه بالعکس، امارات، نشانه‌ها و سلوک آن بزرگواران، مؤید آن بوده است و حجیت استنباط می‌شود. حال اگر، در مورد مصادیقی که سیره عقلاء و عرف بدان تعلق گرفته است، منع و ردعی رسیده باشد، فقط همان مصادیق قابل اعتناء و اعتبار نخواهد بود و درباره سایر سیره عقلا و عرف از حجیت برخوردار بوده و مشروع است. دیگر اینکه تشکیل سازمان امر به معروف و نهی از منکر از موضوعات عرفی است. از جمله مواردی که عرف به کمک مجتهد می‌آید، در مورد احکامی است که روی موضوعات عرفی قرار می‌گیرد. بنابراین، برای تشخیص بعضی از مفاهیم که شرع تعیین آن را بر عهده عرف گذاشته است، شناخت عرف برای فقیه اهمیت شایانی دارد. چراکه عرف به او کمک خواهد کرد، حدود مفاهیم را به خوبی تمییز دهد و دچار لغزش و خطا نشود. به عبارت دیگر، هر موضوع حکمی که حکم شرعی معینی برای آن وجود ندارد، برای تعیین و تشخیص آن باید به عرف و سیره عقلا و لغت مراجعه کرد. آیات، روایات و مفاهیم آنها، کهنه نشده‌اند و از بین نمی‌روند؛ اما مصادیق آنها ممکن است کهنه شده یا از بین بروند، یا اینکه افراد دیگری با ویژگی‌های جدیدی به جای آنها ظاهر شوند. مجتهد باید با کمک عرف آن مصادیق را شناخته و در استنباط خویش به طور ویژه بدان‌ها توجه می‌نماید؛ زیرا این مصادیق ممکن است متعلق‌هایی شوند، برای احکامی که قبلاً متفاوت بوده‌اند؛ مثلاً تشکیل سازمان مزبور در روزگار ما، با ویژگی‌های شمرده‌شده ضروری است؛ در حالی که در برخی از زمان‌ها و مکان‌ها ممکن است در این حد از ضرورت و ایجاب نباشد. همچنین آیا می‌توان مصادیق معروف و منکر را منحصر در آنچه در روزگاران قدیم بوده دانست و در شیوه‌ها و طرق امر به معروف و نهی از منکر صرفاً به همان بسنده کرد و از نیازهای جدید جامعه و حکومت چشم پوشید؟ مسلماً عقلا و عرف نمی‌پذیرند که از وسایل، امکانات، ساز و کارهای نوین و نوظهور ضروری و مشروع برای تحقق اهداف متعالی شرع صرف نظر کرد. لذا، با درک صحیح این ضرورت‌ها بدان حکم خواهند داد.

ضرورت تشکیل سازمان امر به معروف و نهی از منکر از باب مقدمه واجب

مقدمه واجب اقسام متعددی دارد، که متناسب با موضوع، به تعریف و بیان برخی اقسامش می‌پردازیم.

مقدمه واجب

مقدمه واجب که مقدمه وجودی نامیده می‌شود، هر آن چیزی است که وجود واجب متوقف بر آن باشد؛ با این فرض که وجوب، مقید به آن نشده، بلکه نسبت به آن مطلق است. این مقدمه نسبت به وجوب، مفروض الوجود در نظر گرفته نمی‌شود؛ بلکه باید به عنوان مقدمه برای دستیابی به واجب واقع شود (مظفر، ۱۳۸۶ق، ج ۱، ص ۲۶۹-۲۷۰؛ ۴۳۰ق، ج ۲، ص ۳۲۸).

اقسام مقدمه واجب

مقدمه واجب دو قسم است: داخلی و خارجی.

مقدمه داخلی: جزء واجب مرکب است، مثل نماز، و جزء را تنها به این اعتبار، مقدمه محسوب کرده‌اند، که مرکب در وجودش متوقف بر اجزاء خود است. لذا، هر جزئی، خود به خود یک مقدمه برای وجود مرکب است؛ مثل تقدم یک بر دو، و تنها بدین جهت داخلی نامیده شده که جزء در قوام و شکل‌گیری مرکب داخل است و مرکب وجود مستقلی غیر از خود وجود اجزاء ندارد.

مقدمه خارجی: هر چیزی است که واجب بر آن متوقف است و وجود مستقلی خارج از وجود واجب دارد (مظفر، ۱۳۸۶ق، ج ۱، ص ۲۷۲-۲۷۰؛ ۴۳۰ق، ج ۲، ص ۳۲۹). سازمان مذکور نیز از مصادیق مقدمه خارجی برای امر به معروف و نهی از منکر است؛ زیرا وجود مستقلی خارج از فریضه دارد.

اقسام مقدمه خارجی

مقدمه خارجی دو قسم است:

الف) مقدمه عقلیه: هر چیزی است که وجود واجب بر آن توقفی واقعی داشته است و عقل به تنهایی و بدون یاری گرفتن از شرع آن را درک می‌کند؛ مانند توقف حج بر پیمودن راه.

ب) مقدمه شرعیه: هر چیزی است که واجب بر آن متوقف است و عقل آن را به تنهایی درک نمی‌کند؛ بلکه از طریق شارع ثابت می‌شود؛ مانند توقف نماز بر طهارت و رو به قبله بودن و مانند اینها. این امر، «شرط شرعی» نیز نامیده می‌شود؛ به اعتبار اینکه نزد شارع به عنوان شرط و قید در مأموریه اخذ شده است (مظفر، ۱۳۸۶ق، ج ۱، ص ۲۷۲-۲۷۱؛ ۴۳۰ق، ج ۲، ص ۳۳۰).

سازمان امر به معروف و نهی از منکر از مصادیق مقدمه خارجی عقلیه است؛ چرا که هر عاقلی به وضوح درک می‌کند، که هرگاه چیزی واجب شد و حصول آن، متوقف بر مقدماتی است، ناگزیر باید آن مقدمات را نیز تحصیل کرد تا به وسیله آنها، به انجام آن واجب دست یافت.

اگر عقل برای فعلی که مولی، مکلف را بدان امر نموده، حکم به لزوم مقدمه‌ای نماید، همین حکم عقل کفایت می‌کند و لزومی ندارد که امر دیگری از جانب مولی برای مقدمه صادر گردد؛ زیرا هنگامی که امر به ذی‌المقدمه، مکلف را به انجام دادن آنچه که بدان امر شده فراخولند، این فراخولندن او به حکم عقل، وی را وامی‌دارد که هرچه را مأموریه متوقف بر آن است، انجام دهد و امر به چنین مقدماتی عبث و تحصیل حاصل است. در اینکه مقدمه واجب آیا شرعاً یا عقلاً واجب است، میان علما اختلاف نظر وجود دارد. چنانکه گفته شده: «بنابر قول مشهور، مقدمه واجب مطلق، شرعاً واجب است؛ با این حال اگر کسی قائل به وجوب آن شرعاً نباشد، عقلاً قائل به وجوب آن است» (بهبهانی، ۱۴۱۵ق، ص ۴۷۴). اگر مقدمه واجب را به حکم عقل واجب بدانیم، باید اوامری که در مورد بعضی از مقدمات آن از جانب شارع مقدس وارد شده، بر ارشاد به حکم عقل و بیان این مطلب که متعلق آن اوامر، شرط واجب بوده و واجب بر آن‌ها متوقف است، حمل نماییم. تأسیس سازمان امر به معروف و نهی از منکر از آن جهت لازم است، که به حسب ضرورت‌ها و مقتضیات موجود، عقل حکم می‌کند که امر و نهی حاکم جامعه اسلامی نسبت به کارگزاران و مردم صورت بگیرد. همچنین مؤثر واقع شدن این فریضه از ناحیه مردم در عرصه‌های گوناگون، مستلزم آموزش، شناسایی و معرفی معروف‌ها و منکرات نوظهور و روشنگری نسبت به بسیاری از مسائل دیگر است. چراکه نمی‌توان صرفاً به شیوه‌های سنتی بسنده کرد و از ضرورت‌ها و الزامات جدید برای اقامه امر و نهی غفلت ورزید و جامعه را از رشد و تعالی محروم ساخت.

نگارنده بر این باور است که واجب بودن مقدمه واجب مطلق به حکم عقل بوده و در مواردی هم که شارع مقدس بدان امر نموده، از باب ارشاد به حکم عقل، یا از قبیل شرط برای ذی‌المقدمه است. درباره مال غصبی گفته شده، اگر شخص غاصب، مال غصب شده را به مکان دیگری غیر از آنجایی که آن را از مالکش غصب کرده منتقل کند، بر او واجب است که در صورت مطالبه مالکش، آن را به وی رد کند و در آن هیچ اشکالی نیست؛ زیرا رد، مقدمه واجب است (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۴۷). درباره قضا نیز آمده است، در صورتی که قضا واجب عینی باشد، مقدمات آن نیز واجب عینی است و اگر واجب کفایی باشد، مقدمات نیز واجب کفایی است و این به دلیل تبعیت مقدمه واجب از ذی‌المقدمه است، که در اصل وجوب و خصوصیاتش تابع آن می‌شود و مقدمات قضا بسیارند؛ از آن جمله، تحصیل احکام قضا، علم به موازین شرعیه مقرره برای فصل خصومت بر اساس ادله معتبر و تنظیم وقایع خصومت‌ها و مراعات با نظم صحیح شرعی و غیر آنها است (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۲۷، ص ۲۰).

همچنین درباره وجوب مقدمه امر به معروف و نهی از منکر و تحصیل ولایت گفته‌اند، معلوم است که تحصیل مقدمه امر به معروف و نهی از منکر قبل از تحقق مورد آن دو، واجب نیست، مخصوصاً با عدم علم به زمان تحقق آن. به هر حال، هرگاه ترک معروف یا ارتکاب منکری وجود دارد که امر به اولی و نهی از دومی فعلاً واجب است، هیچ اشکالی در وجوب تحصیل ولایت نیست. چه اینکه هرگاه اصل جاری شود، حتماً ولایت واجب می‌شود؛ زیرا ولایت مقدمه واجب است و آن واجب، امر به معروف است و مقدمه واجب، واجب است (شیخ انصاری، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۳۱۷). افزون بر آن، چه بسا فرد به تنهایی نتواند از منکری پیشگیری کند، اما با تجمع و تشکل، پیشگیری بسیاری از منکرات، امکان‌پذیر است. در این صورت به عنوان مقدمه واجب، تجمع و تشکل واجب است؛ چرا که انسان آنچه را با واسطه نیز انجام می‌گیرد، می‌تواند انجام دهد.

امر به معروف و نهی از منکر، علاوه بر وجوب فردی و مقطعی در موارد جزئی، نسبت به ساختار جامعه دینی و اخلاقی نیز واجب موکد است. این امر میسر نیست، مگر با تشکل و تحزب افراد مؤمن، آگاه و صالح و همبستگی آنان و تهیه مقدمات و وسایل لازم هماهنگ با شرایط زمان و مکان. همچنین به حکم عقل، تحصیل مقدمه واجب، واجب است (منتظری، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۴۰۱-۳۰۸؛ ج ۸، ص ۳۱۳-۳۱۴). دیگر آنکه، درباره ضرورت حکومت و تشکیل دولت گفته شده، اقامه اسلام لازم و ضروری است و مقدمه آن، حکومت و تشکیل دولت است که از باب مقدمه واجب، واجب خواهد بود (خلخالی، ۱۴۲۲ق، ص ۶۶). هرگاه اراده -اعم از تکوینی یا تشریحی- به امری تعلق گیرد، به مقدماتش سرایت می‌کند و به آنها نیز تعلق می‌گیرد؛ خواه یکی باشد یا متعدد، خواه عرضی باشد یا طولی. مثلاً وقتی اراده به چیزی مثل حفظ نفس تعلق گیرد که خود محبوب است، تک تک مقدمات آن نیز متعلق اراده می‌شود، بدون اینکه میان مقدمات قریب و بعید آن برای دستیابی به ذی‌المقدمه فرقی باشد (کوه‌کمری، ۱۴۰۹ق، ص ۲۳۵؛ حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۹، ص ۱۶۲).

توجه به این امر ضروری است که با گذر زمان، برخی از مقدمات دستخوش دگرگونی و تحول می‌شوند و در این صورت نیز، متعلق اراده خواهند بود. مثلاً فریضه مزبور در اعصار گذشته که روابط اجتماعی، امکانات و وسایل موجود گستردگی و پیچیدگی‌های امروز را نداشت، می‌توانست با سهولت و شیوه‌هایی ساده، توسط مردم و حکومت انجام گیرد. در حالی که در عصر حاضر، به دلیل گستردگی و پیچیدگی روابط اجتماعی، امکانات، وسایل و مسائل نوظهور و توسعه علوم در حوزه‌های مختلف، نمی‌توان به شیوه‌های سنتی بسنده کرد؛ بلکه ضمن حفظ اصل آن، ضرورت تحول در مقدمات آن ایجاب می‌کند، از علمی مانند روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و نظایر آنها که در گذشته وجود نداشته یا از این حد از تعالی برخوردار نبوده است، بهره جست؛ تا با انجام بهینه این فریضه، به هدف اصلی آن که پیشگیری از ارتکاب منکر و ترک معروف است، نایل آمد. این امر با شکل‌گیری نهاد یا سازمانی که از توانمندی لازم برای فراهم‌سازی مقدمات و زمینه‌های اقامه این فریضه برخوردار بوده و پشتیبانی مردم و حکومت را به همراه داشته باشد، بیشتر میسر می‌شود. علاوه بر آن، امر به معروف و نهی از منکر موجب برپایی سایر فرایض و حفظ ارزش‌ها و هویت اسلامی جامعه و حکومت می‌گردد. لذا، به حکم عقل باید تمام مقدمات و لوازم آن فراهم شود. از مهم‌ترین مقدمات این امر، وجود سازمانی است که متولی انجام هرچه بهتر این فریضه در جامعه باشد و از جهات گوناگون، برای اقامه درست و فراگیر شدن آن در حوزه‌ها و سطوح مختلف جامعه برنامه‌ریزی نماید. بنابراین، حکم عقل و شرع به وجوب امر به معروف و نهی از منکر که مستلزم مقدماتی نظیر شناخت معروف و منکر، شیوه درست امر و نهی و شناخت مخاطب و نظایر آنهاست، اثبات می‌شود. البته، برخی از این مقدمات و شرایط، مربوط به شخص مکلف به انجام این فریضه است، که احراز مقدمات و شرایط مزبور توسط وی موجب درست و بهتر انجام دادن تکلیف می‌گردد. در پاره‌ای موارد، شناخت مصادیق معروف و منکر و شیوه‌های امر و نهی و شناخت مخاطب به دلیل پیچیدگی‌ها و شرایط خاص حاکم بر جامعه، برای مکلف مقدور نیست و احیاناً دچار اشتباه می‌شود. لذا، برای رهایی از چنین وضعیت و مشکلات و پیچیدگی‌هایی، حکومت باید مقدمات و زمینه‌های لازم را فراهم سازد تا در صورت مواجهه با چنین مواردی، درست عمل شود. چنانکه تشکیل سازمانی کارآمد و توانا برای پاسخ‌گویی به نیازهای جدید در زمینه اقامه این دو فریضه، ضروری به نظر می‌رسد.

فریضه امر به معروف و نهی از منکر از مهم‌ترین تکالیف اجتماعی است که به اقتضای شرایط باید مقدمات اقامه آن را فراهم نمود. چه مقدمات، قریب یا بعید باشد؛ مثلاً وقتی حکومت اسلامی شکل گرفت، زمینه برای اقامه آن فراهم می‌شود. در نتیجه می‌طلبد که سازمانی توانمند تأسیس گردد که با تلاش صادقانه و خالصانه، افراد ذی‌صلاح در آن گرد بیایند و به نحو درست و صحیح به اقامه امر به معروف و نهی از منکر پردازند. مقدمات تکالیف، تابع نوع حکم بوده و در تکالیف جمعی، جمع و گروه، هم نسبت به تکلیف و هم نسبت به مقدمات آن مکلف‌اند. چراکه خصوصیات و ویژگی‌های تکالیف به مقدماتی که انجام آن متوقف بر آنها است، تسری پیدا می‌کند. در این گونه اوقات، گاهی شرایط به گونه‌ای رقم می‌خورد که برای انجام تکالیف فردی یا جمعی، تأسیس یک سازمان تخصصی، طراحی ساختارهای مناسب و تدابیر وسیع، ضرورت پیدا می‌کند تا برنامه‌ریزی‌های کارشناسانه، تخصصی، دقیق و هوشمندانه‌ای صورت پذیرد، که همه این‌ها از مصادیق مقدمه بوده و حکم ذی‌المقدمه بر آن‌ها نیز بار می‌شود؛ زیرا بدون آنها مطلوب حاصل نمی‌شود.

با پایدار شدن حکومت اسلامی و فراهم شدن زمینه برای اجرایی و عملیاتی شدن فقه اسلامی، هر مجتهد آگاهی مجاب خواهد شد، که با مذاقه و جدیت به اجتهاد در مبانی اجتماعی، سیاسی و حکومتی فقه اسلامی پردازد و هماهنگی فقه با عرصه‌های مختلف زندگی را به دست آورد و در راستای اجرایی و عملیاتی شدن احکام مربوط به آن اقدام نماید. چه اینکه شریعت اسلام نه تنها برای مشکلات فردی، بلکه برای همه مشکلات در ابعاد گوناگون زندگی اجتماعی نیز، برنامه و راه حل دارد؛ که از مصادیق بارز آن، فریضه امر به معروف و نهی از منکر است؛ زیرا با اقامه درست آن می‌توان از وقوع بسیاری از مشکلات پیشگیری نمود و بسیاری از آنها را نیز از پیش رو برداشت یا اصلاح کرد. چنانکه امام خمینی به عنوان مجتهدی آگاه و زمان‌شناس که آرزوی تحقق اسلام ناب و اجرای تمام عیار احکام نورانی اسلام را داشته است، با تأسی به سیره معصومین (ع) و الهام گرفتن از قرآن کریم -از جمله آیه ۴۱ سوره حج- از آغازین روزهای زعامت خویش و شکل‌گیری نظام اسلامی، اجرایی شدن امر به معروف و نهی از منکر را به شکلی نوین و مناسب، با شرایط موجود در دستور کار قرار داد. اما متأسفانه به گونه‌ای شایسته و بایسته محقق نشد. در حال حاضر نیز گرچه ستاد احیای اقامه امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد؛ لیکن برای ارتقا و افزایش کارایی آن که متناسب با اهداف این فریضه بزرگ باشد، باید تحولات اساسی و کارسازی صورت گیرد که آثار آن به روشنی در جامعه ملاحظه گردد. چنانکه هدف اصلی پژوهش نیز تبیین همین ضرورت برای تحقق هرچه بهتر و بیشتر آن است. به ویژه در این برهه که برای برون رفت از خسران‌ها، مشکلات و مفسدات گوناگون، نقش حیاتی و ضروری آن بیش از پیش نمایان شده است.

ضرورت تشکیل سازمان امر به معروف و نهی از منکر بر اساس قاعده اولویت

نهادهای، سازمانها، مؤسسات و وزارتخانه‌های متعدد جامعه برای ساماندهی اموری معین و تعریف شده، شکل گرفته‌اند. چراکه ساماندهی امور جامعه در مسائل عدیده و گوناگون، نیازمند متخصصان و کارشناسان خبره و توانمندی است، که در قالب تشکلهای و سازمانهای تخصصی بدانها پردازند. با مقایسه اهمیت، جایگاه و ضرورت تشکیل هر یک از نهادهای و سازمانهای موجود با سازمان امر به معروف و نهی از منکر خواهیم دید، که ضرورت این سازمان نه تنها در حد آنها، بلکه از بسیاری از آنها بیشتر است؛ زیرا با شکل‌گیری این سازمان و انجام درست رسالتش، بسیاری از مفاسد و مشکلات جامعه، سازمانها و نهادها یا به وجود نمی‌آید، یا اصلاح می‌شود و از میان خواهد رفت.

تأسیس سازمانی با هدف دعوت مردم به اقامه امر به معروف و نهی از منکر، شناسایی و معرفی معروفها و منکرات سابق و لاحق، آموزش شیوه‌های درست و اصولی امر و نهی، ترویج نظارت همگانی در جامعه، تبیین حد و مرزهای این فریضه، حمایت و پشتیبانی از آمران و ناهیان و نظارت بر عملکرد سازمانها و نهادها و وزارتخانه‌ها که در عمل از دولت و سایر نهادها مستقل باشد، نه تنها همسنگ، بلکه بسیار ضروری‌تر و مهم‌تر از بسیاری از آن سازمان‌هایی است، که در پاره‌ای مواقع به دلیل عملکرد نادرست، هزینه‌های هنگفت و مفاسد زیادی ایجاد می‌کنند.

نتیجه‌گیری

گرچه امر و نهی فردی و جمعی غیر سازمانی مطلوب، بایسته و ضروری است؛ لکن در همه زمانها، مکانها، شرایط و موقعیت‌های گوناگون برای اصلاح جامعه کافی نیست؛ زیرا شرط لازمی است که با دیگر شرایط ضروری کارایی و اثرگذاری مطلوب پیدا خواهد کرد. از جمله این شرایط، وجود سازمانی مستقل، متشکل از افرادی متعهد و متخصص است که رسالت تعلیم و بهینه‌سازی اقامه امر به معروف و نهی از منکر در حوزه‌های گوناگون را دارا باشد. به استناد ادله عقلی و نقلی، می‌توان مشروعیت و ضرورت تأسیس سازمان امر به معروف و نهی از منکر را اثبات نمود. فهم درست و دقیق آیات قرآن، راهگشای درک ضرورت تشکیل سازمان مزبور است. افزون بر آن، به استناد عرف و سیره عقلا که از جانب شارع، ردع و منعی بر آن وارد نشده است و نیز بدهت تسری و وجوب ذی‌المقدمه به مقدماتش و دلالت قاعده اولویت بر تقدم امور اهم بر مهم، ضرورت سازمان مزبور، اثبات می‌شود.

منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

ابن‌ادریس (۱۴۱۰ق). *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*. قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ج ۲.بهبهانی، محمدباقر (۱۴۱۵ق). *الاجتهاد و التقليد (الفوائد الحائریه)*. قم: مجمع الفکر الاسلامی.تبریزی، ابوطالب تجلیل (۱۴۲۱ق). *التعلیقہ الاستدلالیہ علی تحریر الوسیلہ*. تهران: مؤسسه نشر آثار امام خمینی.حرعاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل‌البیت، ج ۱۶.

- حکیم، سید محسن (۱۴۱۶ق). مستمسک العروه الوثقی. قم: موسسه دار التفسیر، ج ۹.
- خلخالی، سید محمدمهدی (۱۴۲۲ق). حاکمیت در اسلام یا ولایت فقیه. ترجمه جعفر الهادی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- خمینی، سید روح الله (۱۳۸۶). صحیفه نور (صحیفه امام). تهران: بی نا، ج ۶، ۹.
- خمینی، سید روح الله (۱۴۰۴ق). زیاده الأحکام. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ج ۷.
- سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۱۳ق). مهذب الأحکام. قم: مؤسسه المنار، چاپ چهارم، ج ۲۷.
- سبزواری، محمداقبر (۱۴۲۳ق). کفایه الأحکام. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۴.
- شهید اول (۱۴۱۰ق). اللعه الدمشقیه فی فقه الإمامیه. بیروت: دارالتراث، الدار الإسلامیه.
- شهید اول (بی تا). القواعد و الفوائد. قم: کتابفروشی مفید، ج ۱.
- شهید ثانی (۱۴۱۳ق). مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه، ج ۳، ۱.
- شیخ انصاری (۱۴۱۰ق). کتاب المکاسب (المحشی). قم: مؤسسه مطبوعاتی دارالکتاب، چاپ سوم، ج ۴.
- شیخ طوسی (۱۴۰۰ق). النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی. بیروت: دارالکتب العربی چاپ دوم.
- صاحب جواهر (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. بیروت: داراحیاء التراث، چاپ هفتم، ج ۲۱.
- علامه حلی (۱۴۱۰ق). إرشاد الأذهان إلى أحكام الإیمان. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۱.
- علامه حلی (۱۴۱۴ق). تذکره الفقهاء. قم: مؤسسه آل البيت، ج ۹.
- علامه حلی (بی تا). تحریر الأحکام الشرعیه علی مذهب الإمامیه. مشهد: مؤسسه آل البيت، ج ۱
- کوه کمری، سید محمد (۱۴۰۹ق). کتاب البیع. قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
- مظفر، محمدرضا (۱۳۸۶ق). اصول الفقه. نجف: مطابع النعمان، چاپ دوم، ج ۱.
- مظفر، محمدرضا (۱۴۳۰ق). اصول الفقه. قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ج ۲.
- منتظری، حسینعلی (۱۴۰۹ق). مبانی فقهی حکومت اسلامی. ترجمه محمود صلواتی و ابوالفضل شکوری. قم: مؤسسه کیهان، ج ۲، ۸.
- میرزای قمی (۱۴۱۳ق). جامع الشتات فی أجوبه السؤالات. تهران: مؤسسه کیهان، ج ۱.